

حفظ واحیای میراث زبینی را از خانواده آغاز کنیم

■ محرم آمده است، ماهی که دل ها را می لرزاند، اشک ها را جاری می کند و قلب ها را با پیام های بلند عاشورا پیوند می زند. ماهی که یادمان می آورد ایستادگی یعنی چه، غیرت یعنی چه و آزادیگی با خون حسین (ع) چگونه معنا شد. محرم نه فقط ماه عزاداری بلکه ماه بیداری است. ماهی است که هر سال می آید تا تلنگری بزند به جان ها تا دوباره از خودمان بیرسیم در کدام جبهه ایستاده ایم؟ با کدام پرچم زندگی می کنیم؟ در این روزها، وقتی صدای طبل، نوحه، روضه و سینه زنی از هیئت ها بلند می شود، وقتی چشم کودکان به اشک مادر در مجلس روضه می افتد، وقتی بوی نذری خانه را با عطر حسینی پر می کند، انگار وقت آن است که میراث عاشورا را جدی تر بگیریم. گاهی کافی است دل را بسپاریم به تاریخ، به روزهایی که خورشید در اوج ظهر، شرمنده حضرت زینب(س) بود. آنجا در دشت نینوا، فقط خون بر زمین ریخت، بلکه مفاهیم بزرگی در جان تاریخ حک شد، مفاهیمی مثل عفاف، حجاب، غیرت و امر به معروف و نهی از منکر... **صفحه ۸**

بررسی چالش های پوشش در آستانه ۲۱ تیرماه روز عفاف و حجاب

«حجاب» پدیده ای جهانی روایتی هویتی



دکتر رضا مهکام، روانشناس و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی:

حجاب فقط یک پوشش فردی نیست

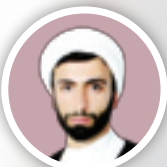
پرچم فرهنگی جامعه ماست



دکتر ریحانه حقانی، مدیر گروه زن و خانواده پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر:

تصورات سنتی مانع نوآوری در صنعت

مد و پوشاک اسلامی شده است

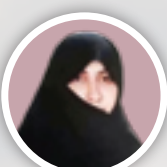


امین کشوری دکترای مطالعات زنان و خانواده و از مجریان یک طرح ابتکاری در حوزه پوشش:

سامان بخشی حجاب

باقاعاد و انگیزه بخشی به مخاطب

امکان پذیر می شود



معصومه شریفی معاون تبلیغ و امور فرهنگی جامعه الزهرا(س):

معاذیت های مردان در پوشش

به معنای یله و رها بودن نیست

حیا و عفت ریشه های یک زندگی باوقار از کودکی

آنچه باشد که حس وقار و احترام را منتقل کند. برای یک کودک، انتخاب لباس هایی که هم راحت باشند و هم به او حس اعتماد به نفس و احترام به خود بدهند، می تواند اولین قدم در مسیر درک حجاب باشد. می توان به کودک اجازه داد از میان گزینه های مناسب، لباسی را انتخاب کند که هم با سلیقه اش سازگار و هم با ارزش های خانواده همخوانی داشته باشد. این کار نه تنها حس استقلال را در کودک تقویت می کند، بلکه به او می آموزد پوشش، راهی برای ابراز شخصیت و احترام به خود و دیگران است.

۴ عفت در کلام و رفتار: حیا و عفت تنها به پوشش محدود نمی شود، نحوه صحبت کردن، انتخاب کلمات و حتی لحن کلام، بخشی از این ارزش هاست. کودکی که می بیند والدینش با افراد غریبه یا نامحرم با احترام و متانت صحبت می کنند، یاد می گیرد کلامش می تواند نشان دهنده شخصیت و ارزش هایش باشد. برای مثال، آموزش این که چگونه با لحنی آرام و محترمانه با دیگران صحبت کند یا چگونه در مواجهه با افراد غریبه حد و مرزهای مناسبی را رعایت کند، می تواند به او کمک کند در آینده با اعتماد به نفس و وقار بیشتری در جامعه حاضر شود. این موضوع به ویژه برای پسران اهمیت دارد. در جامعه ای که گاهی حیا و عفت به اشتباه تنها به زنان نسبت داده می شود، آموزش این ارزش ها به پسران می تواند نقشی کلیدی در ایجاد حس امنیت برای دیگران به ویژه زنان داشته باشد. مردی که با حجب و حیا رفتار می کند، با کلام و نگاهش به دیگران احترام می گذارد و در تعاملاتش حد و مرزها را رعایت می کند، نه تنها به خودش ارزش می بخشد، بلکه به زنان اطرافش نیز احساس امنیت و آرامش می دهد.

۵ نقش مردان در ترویج فرهنگ حیا: یکی از جنبه های کمتر مورد توجه در بحث حیا و عفت، نقش مردان در این حوزه است. پسران از کودکی باید بیاموزند حیا تنها یک ارزش زنانه نیست، بلکه بخشی از شخصیت یک انسان باوقار است. پدری که با رفتارش نشان می دهد چگونه می توان با احترام و متانت با دیگران به ویژه زنان تعامل کرد، به پسرش می آموزد که حیا، نشانه قدرت و اعتماد به نفس است، نه ضعف. وقتی مردان و پسران در جامعه با حیا و عفت رفتار کنند، فضایی ایجاد می شود که زنان نیز در آن احساس امنیت و احترام بیشتری می کنند. این حس امنیت، یکی از مهم ترین نتایج ترویج فرهنگ حیا در جامعه است.



با مادر در انتخاب لباسش در جمع های خانوادگی دقت می کند. کودک به طور ناخودآگاه این رفتارها را به عنوان معیارهای ارزشمند درونی می کند. تربیت حیا و عفت نباید به صورت یک دستورالعمل خشک و رسمی باشد. به جای گفتن جملاتی مثل «باید این طور لباس بپوشی» یا «باید این طور صحبت کنی»، می توان از روش های خلاقانه استفاده کرد. برای مثال، قصه گویی یکی از بهترین ابزارهاست. داستان هایی درباره شخصیت هایی که با رفتارهای باوقار و محترمانه به موفقیت می رسند، می تواند در ذهن کودک تأثیر عمیقی بگذراند. یابازی هایی که در آنها به کودکان یاد داده می شود چگونه با احترام با دیگران تعامل کنند، می توانند به صورت غیرمستقیم ارزش های حیا را منتقل کنند.

۳ پوشش؛ بخشی از هویت، نه تمام آن: وقتی از حجاب صحبت می کنیم، ذهن بسیاری از ما صرفاً به سمت چادر یا پوشش های خاص می رود اما حقیقت این است که تنها بخشی از حجاب همان حجاب برتر فاطمی است اما بخش دیگری از حجاب می تواند

تصور کنید کودکی در حیاط خانه مشغول بازی است با لباس های ساده اما مرتب، با لبخندی که از اعتماد به نفس و آرامش درونی اش سرچشمه می گیرد. او هنوز نمی داند ارزش هایی مثل حیا، عفت و پاکدامنی در حال شکل گیری در وجودش هستند، اما هر نگاه محبت آمیز مادر، هر توصیه نرم پدر و هر الگوی رفتاری که در خانه می بیند، مثل بذری در قلبش کاشته می شود. اما باید پرسید چگونه می توان از کودکی، حیا و عفت را به عنوان ارزش هایی درونی و نه صرفاً ظاهری در وجود کودکان نهادینه کرد؛ ارزش هایی که نه تنها به پوشش، بلکه به کلام، رفتار و حتی نگاه آنها معنا می بخشد.

- خانواده؛ اولین کلاس درس حیا:** خانواده، اولین و مهم ترین محیطی است که کودک در آن با مفاهیم اخلاقی و ارزشی آشنا می شود. وقتی صحبت از حیا و عفت می کنیم، منظورمان صرفاً آموزش پوشیدن چادر یا لباس های خاص نیست. حیا یک حس درونی است که به کودک یاد می دهد چگونه با خود، دیگران و حتی دنیای اطرافش تعامل کند. این حس از همان سال های ابتدایی زندگی از طریق رفتار والدین، نوع گفت و گوهای خانوادگی و حتی نحوه لباس پوشیدن در خانه شکل می گیرد. فرض کنید مادری در حضور فرزندش با دقت و احترام با یک میهمان صحبت می کند، لحنی آرام و متین دارد و از کلماتی استفاده می کند که وقار و ادب را منتقل می کند. یا پدری که در خانه با لباس های مرتب و مناسب ظاهر می شود و به فرزندانش نشان می دهد احترام به خود و دیگران حتی در محیط خصوصی خانه هم اهمیت دارد. این رفتارها، بدون نیاز به سخنرانی های طولانی به کودک می آموزند حیا فقط یک قانون نیست، سبک زندگی است.
- تربیت غیرمستقیم؛ جادوی الگوسازی:** یکی از مؤثرترین شیوه های تربیت، الگوسازی است. کودکان بیش از آنکه به حرف های ما گوش کنند، به رفتارهای ما نگاه می کنند. اگر والدین خودشان با حیا و عفت رفتار کنند، این ارزش ها به صورت طبیعی در وجود کودک نهادینه می شود. مثلاً وقتی پدر یا لحنی محترمانه با همسرش صحبت می کند

کلام نرمی که حجب و حیارا به فرزندان هدیه می کند



هنوز صدای پدر در گوشم می پیچد، صدایی که با لحنی آرام و مهربان، نه از سر اجبار، بلکه از عمق دلسوزی و نگرانی می گفت: «دخترم، حجاب، سبوری است در برابر نگاه های آلوده و کلام های نیش دار. حجاب تو را از دید بد دور می کند و حرمت را نگه می دارد.» آن روزها در اوج نوجوانی بودم و سر کشی آن دوران باعث می شد عمق جملات پدر را به درستی درک نکنم، اما امروز با کوله باری از تجربه و عبور از فراز و نشیب های زندگی، معنای واقعی این میراث گرانبها و ارزش این راهنمایی های دلسوزانه را با تمام وجودم حس می کنم. حجاب برای من یادگاری است از پدری که همواره نگران امنیت و آرامش دخترش بود. حجاب، بوی امنیت می دهد، بوی نجابت، بوی حیا. وقتی آن را حفظ و چادرم را به عنوان حجاب برتر سر می کنم، حس می کنم در پناهی امن و امان قرار گرفته ام، پناهی که نه تنها ظاهرم را بلکه روحم را نیز حفظ می کند. پدرم با آن لحن صمیمی و مهربانش به من آموخت چگونه می توانم در برابر خطرات و آسیب های جامعه از خود محافظت کنم. او به جای تحمیل واجبار، با زبانی نرم و دلی نگران، مرا با ارزش های والای انسانی و اسلامی آشنا کرد و راه درست را نشانم داد.

در دنیایی که ارزش ها روز به روز کمتر رنگ تر می شوند و نگاه های هرزه، حریم زنان را نشانه گرفته اند، حفظ حجاب، فریاد استواری در برابر این بی حرمتی هاست. این میراث گرانبها به من یادآوری می کند ارزشمندتر از آن هستم که خود را در معرض دید همگان قرار دهم. چادر به من می گوید زیبایی امانتی است که باید آن را حفظ و فقط برای محرم هایم آشکار کنم. این یادآوری، هدیه ای از پدرم بوده هدیه ای که مرا در برابر بسیاری از وسوسه ها و خطرات حفظ کرد. این تجربه به من آموخت راهنمایی های والدین به ویژه زمانی که با کلام و نرم واز سر دلسوزی و نگرانی باشد، تأثیر زیادی می تواند بر زندگی فرزندان داشته باشد. وقتی پدر و مادر، با لحنی مهربان و صمیمی، فرزندان خود را با ارزش ها و اصول اخلاقی آشنا می کنند و آنها را در برابر خطرات و آسیب های جامعه آگاه می سازند، در واقع آنها را در برابر بسیاری از حملات و آسیب ها و اسکینه می کنند. البته منظور از حجاب در چادر خلاصه نمی شود، بلکه هر زن و دختری می تواند با انتخاب پوششی مناسب و حفظ حیا و عفت در رفتار و گفتار از خود محافظت کند. برای من هم حجاب و عفاف، یادگار ارزشمند پدری است که همواره بهترین ها را برایم می خواست و مرا از گزند زمانه حفظ کرد.

امروز وقتی روبروسی و چادرم را بر سر می کنم و مراقب عفت زبان و چشمم و همه اعضا و جوارحم هستم، به یاد پدرم می افتم و با خود می گویم: «پدرجان! خیالت راحت... این امانت گرانبها را تا آخرین نفس حفظ خواهم کرد و اجازه نخواهم داد ارزش هایم در این دنیای پرهیاهو رنگ ببازند.» و به این باور رسیده ام که راهنمایی های دلسوزانه و لحن مهربان والدین چراغ راهی است که فرزندان را در مسیر درست هدایت می کند و آنها را از گزند خطرات مصون می دارد. پس گوش شنوای این شنیدن این سخن های گرانبها داشته باشیم.

نگاه

تهاجم فرهنگی، نه با صدای انفجار و نه با دود باروت، بلکه با ابزارهای ظریف و فریبنده ای چون رسانه، هنر، مد، سبک زندگی و شبکه های اجتماعی به باور ها و ارزش های جامعه یورش می برد. هدف این تهاجم، نه صرفاً تغییر ظواهر، بلکه دگرگونی عمیق در نگرش ها، ارزش ها و بینش های نسل جوان است تا آماده پذیرش الگوهای بیگانه شود. در این میان، حوزه حجاب و عفاف، یکی از حساس ترین و استراتژیک ترین میدان های نبرد فرهنگی محسوب می شود.

وقتی شاهد ترویج بی بند و باری در پوشش، عادی سازی روابط نامشروع و سؤال بردن ارزش های بنیادین خانواده ام، در واقع با تهاجمی سازمان یافته روبه رو هستیم که هدفش از هم گسیختن تار و پود فرهنگی جامعه و جایگزینی آن با الگوهای بیگانه و غالباً مبتذل است. حمله به پوشش زنان، تنها نمادی از این تهاجم گسترده تر است. تهاجم فرهنگی، کانون گرم خانواده را نیز به عنوان اصلی ترین پایگاه تربیت نسل آینده، نشانه رفته است. با ترویج الگوهای غلط زناشویی، تشویق به فردگرایی افراطی که از همبستگی خانوادگی می کاهد، کمترنگ کردن نقش محوری والدین و بزرگ ترها در خانواده و ارائه تصویری جذاب و فریبنده از سبک های زندگی غربی که غالباً با ارزش های ما فاصله دارد، تلاش می شود تا استحکام و انسجام خانواده ها سست



شود. وقتی فرزندان، پدر و مادر خود را الگوهای سنتی و ناکارآمد می بینند و شیفته شخصیت های رسانه ای بیگانه و بی محتوا می شوند، گسست نسلی عمیق تر شده و پایه های تربیت صحیح و انتقال ارزش ها فرو می ریزد.

درست است تهاجم نظامی خسارت جانی و مالی ویرانگری به بار می آورد و ابعاد تخریب آن بر کسی پوشیده نیست اما باید اذعان داشت این ویرانی های مادی، هر چند در دناک، قابل

بازسازی و جبران هستند و می توان بعد از پایان جنگ، ویرانه ها را از نو بنا کرد و خاطرات تلخ را به تدریج التیام بخشید اما ویرانی تهاجم فرهنگی بر دل ها و ذهن ها باقی می ماند. به عنوان مثال وقتی حیا و عفت از جامعه رخت برمی بندد، وقتی هویت دینی و ملی رنگ می یازد و جوانان، الگوهای غلط را به جای الگوهای صحیح می پذیرند، جبران این خسارت بسیار دشوارتر و گاه غیرممکن است. تهاجم فرهنگی روح جامعه را هدف می گیرد و نسلی را از ریشه هایش جدا می کند. در تهاجم فرهنگی، دشمن باورها را فتح می کند و هویت را به یغما می برد. چرا بخشی از جامعه در برابر این تهاجم گاهی بی تفاوت است و حساسیت لازم را در برابر ترویج بی بند و باری در پوشش ندارد؟ دلیل اصلی همان پنهان بودن ماهیت این تهاجم است. در حالی که در تهاجم نظامی، دشمن آشکار است ولی در تهاجم فرهنگی، دشمن در لباس دوست ظاهر می شود، در قالب فیلم ها، سریال ها، موسیقی ها، مد و لباس هایی که روزانه به آنها سروکار داریم و حتی در قالب جذابیت های بصری و محتوای فریبنده در شبکه های اجتماعی. این نزدیکی و ظرافت، تشخیص خطر را دشوار کرده و حساسیت لازم را از بین می برد. حال وظیفه خانواده ها در این میان چیست؟

بی تردید همواره باید هوشیار باشیم و بدینهم حفظ حجاب و عفاف، تنها یک مسئله شخصی نیست، بلکه سنگری حیاتی در برابر تهاجم فرهنگی است که امنیت فرهنگی و هویتی جامعه را تضمین می کند. پس همانطور که برای دفاع از مرزهای جغرافیایی تلاش می کنیم، برای دفاع از مرزهای فرهنگی و اعتقادی مان نیز باید استین همت بالا بزنیم، چرا که بقای یک ملت، بیش از هر چیز، به حفظ اصالت و هویت آن وابسته است.